



انقلاب اسلامی ایران، زمینه‌ها و شرایط

جهان حاکم بود، به پایان برد.
این انقلاب گرچه در چارچوب کشور ایران و
با رهبری پیامبرگونه حضرت امام خمینی (ره)
به پیروزی رسید، به دلیل ماهیت حکومت
سلطنتی و وابستگی آن به یک قطب حاکم بر
جهان از مرزهای ایران فراتر رفت و آثار خود را
در کشورهای اسلامی و به گونه‌ای دیگر در
سایر کشورها به جای گذارد.

انقلاب اسلامی، ایران را که جزیره ثباتی
برای آمریکا و سایر کشورهای غربی بود، به دژ
محکمی برای مقابله با این قطب حاکم بر جهان
تبدیل نمود و مسلمانان را به ویژه در کشورهای
هم چون فلسطین، لبنان، شمال آفریقا و... تا آنجا

قرن بیستم در حالی به پایان رسید که وقایع
بسیار مهمی در آن به وقوع پیوست و تحولات
گونگون را در جهان ایجاد نمود. نگاهی سریع به
این وقایع نشان دهنده این حقیقت است که انقلاب
چین، انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی ایران از
مهم‌ترین وقایع این قرن بوده به گونه‌ای که هر
کدام از آنها منشأ تحولی جدید در روابط بین
الملل و روابط بین مردم و دولتها و نحوه اداره
حکومت‌ها گردید. انقلاب اسلامی ایران که
آخرین و مهم‌ترین تحول این قرن می‌باشد خود
عامل تحول دیگری بود که در نهایت باعث
فروپاشی شوروی گردید و دوران مارکسیسم
را که نزدیک به یک قرن در بخش فابل توجهی از

آگاهی بخشید که هر کدام از آنها اقدامات قابل توجهی را در جهت کسب منافع خود که در تضاد با منافع آمریکا بود به عمل آوردند.

حوزه و قلمرو مطالعه محققین در باب انقلاب‌ها گوناگون است و هر محقق از حوزه‌ای خاص به یک انقلاب می‌نگرد و آن را در چارچوب همان قلمرو مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهد. در این مقاله سعی ما بر این است که قلمرو مطالعه را به اوضاع و شرایط سیاسی-اجتماعی قبل از انقلاب اسلامی در ایران اختصاص دهیم و با نگاه بسیار سریع به این شرایط زمینه‌های وقوع انقلاب اسلامی در ایران را مشخص نماییم. شرایطی که در این مقاله مورد توجه قرار می‌گیرد، شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی خواهد بود.

شرایط اقتصادی

بنیان اقتصادی ایران تا ۱۵ سال قبل از پیروزی انقلاب بر اقتصاد کشاورزی قرار داشت ولی با این وجود حدود ۱۱٪ از مساحت کشور به زیر کشت می‌رفت و حاصلخیزترین زمین‌ها نیز در شمال ایران قرار داشت که در دوره حکومت رضاخان اکثر این اراضی به اجبار توسط دربار و دولت تصاحب گشته بود. در سال ۱۳۴۱ رژیم شاه به توصیه دولت آمریکا و برای جلوگیری از وقوع انقلاب اقدامات به ظاهر اصلاحی با نام انقلاب سفید را شروع کرد که اهم آنها اصلاحات ارضی بود.

مهم‌ترین نتیجه‌ای که از اصلاحات ارضی به جای ماند این بود که ایران در سال ۱۳۴۸ در زمینه اقلام عمده کشاورزی یک واردکننده کامل شد، زیرا رشد تولیدات کشاورزی معادل ۱/۷٪

بود در حالی که رشد جمعیت به ۲/۲٪ رسید بود. در حقیقت ده سال بعد از انقلاب سفید شاه. ایران برای اولین مرتبه واردکننده کامل گوشت و غلات شد. در کنار این مطلب وجود بی‌شمار کشاورزانی بود که امکانات مالی کافی برای سرمایه‌گذاری و کشت بر روی زمین‌های واگذار شده را نداشتند و به همین دلیل روستا را ترک نموده و برای گذران زندگی به شهرها روی آوردند.

افزایش قیمت نفت در سال‌های پایان رژیم سابق قدرت مانور و سرمایه‌گذاری این رژیم را افزایش داد ولی به دلیل صرف این درآمدها در مجاری غلط، کمکی به اقتصاد کشور ننمود. درآمد نفت در سال ۱۳۴۲، ۴۵۰ میلیون دلار و در سال ۱۳۵۲ به ۴/۴ میلیارد دلار و در سال ۱۳۵۶ به ۲۲ میلیارد دلار رسید.

این افزایش درآمد صرف نظر از هزینه‌های محدودی که خرج عمران کشور گردید، در پنج زمینه زیر هزینه می‌شد:

- ۱- خریدهای بی‌سابقه تسلیحاتی
- ۲- ورود کالاهای مصرفی به ویژه مواد غذایی و کشاورزی
- ۳- ایجاد صنایع مونتاژ در شهرها و به ویژه در تهران
- ۴- پرداخت وام‌های کلان به کشورهای جهان سوم و غرب به منظور کسب حمایت بین‌المللی
- ۵- افزایش حقوق و دستمزد کارکنان دولت به ویژه ارتش و ساواک.

این موضوع در حالی بود که افزایش سریع قیمت نفت می‌توانست اقتصاد ایران را در جهت قطع وابستگی به نفت و خودکفایی پیش ببرد ولی ادعاها و آرزوهای شاه برای رسیدن به دروازه

تمدن بزرگ باعث صرف مبالغ هنگفتی در پروژه‌های غیر سود ده و در عین حال غیر ضروری گردید. نتیجه این عملکرد وجود یک اقلیت مرفه وابسته به دربار و یک اکثریت بی‌نصیب از سرمایه‌های کشور بود که اختلاف طبقاتی را به حداکثر رسانده بود.

شرایط سیاسی

بجز ده ساله اول حکومت شاه که هنوز سیطره کامل به امور کشور پیدا نکرده بود، تمام دوران حکومت او همراه با دیکتاتوری و خفقان بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که شاه آن را قیام ملت می‌خواند، مجدداً حکومت استبدادی تمام عیار بر ایران حاکم و شاه تصمیم گیرنده در تمام امور مملکت شد. از این زمان به بعد آزادی و مشارکت مردم در امور حکومتی برای همیشه پایان یافت و انتخابات، احزاب سیاسی و مطبوعات جز بازچه‌ای در دست شاه نبودند. ساواک به مرور زمان قدرت مطلقه کشور شد و بر تمام شئون مملکتی حاکم گردید. برخورد این دستگاه امنیتی با مردم، دانشجویان، روحانیون و به ویژه مبارزین به گونه‌ای بود که گویا افراد این دستگاه ایرانی نیستند و با ایرانیان به مثابه عنصر خارجی برخورد می‌کردند. وحشت حاصل از عملکرد ساواک در میان مردم به گونه‌ای بود که همگان باور کرده بودند در هر جمع چند نفره حتماً یکی از عوامل این دستگاه حضور دارد.

در بعد سیاست خارجی، حکومت به معنای کامل کلمه وابسته بود. شاه در این مورد هیچ اقدامی را بدون نظر آمریکا و انگلیس انجام نمی‌داد و حتی در مورد اجرای نظرات آنها نیز از

آنان کسب تکلیف می‌کرد. از نکات بارز این نحوه عملکرد تصمیم شاه در مورد تشکیل دولت نظامی در ۱۵ آبان ماه ۱۳۵۷ است.

در آن زمان شاه به این نتیجه می‌رسد که تعویض دولت‌ها به صورت عادی کار ساز نیست و برای کنترل امور و جلوگیری از پیشرفت انقلاب نیاز به دولت نظامی دارد. در این مورد ابتدا با برژینسکی مشاور امنیت ملی کاخ سفید تلفنی صحبت می‌کند و پس از دریافت نظر مثبت او سفرای آمریکا و انگلیس را فرامی‌خواند و به مدت دو ساعت با آنان به گفتگو می‌پردازد. او پس از این مشورت‌ها و کسب اطمینان از این که آمریکا و انگلیس از تشکیل دولت نظامی حمایت می‌کنند، ارتشبد از هاری را به عنوان نخست وزیر دولت نظامی منصوب می‌کند.

شرایط فرهنگی

مهم‌ترین مشخصه فرهنگی قبل از انقلاب در ایران انتشار فرهنگ غرب و مقابله با فرهنگ اسلامی و آداب و رسوم اکثریت مردم ایران بود. برنامه‌های رادیو و تلویزیون و به ویژه اقداماتی نظیر جشن هنر شیراز، تشویق سینمای مستهجن فارسی نمونه بارز این سیاست فرهنگی بود. در کنار این مقولات، فساد و رشوه خواری مقامات کشور که اکثر آنها ریشه در دربار و خانواده سلطنتی داشتند رواج فوق‌العاده‌ای یافته بود. مواد مخدر که جوانان ایران را نشانه گرفته بود بیداد می‌کرد و به طور جدی گفته می‌شود که اشرف خواهر شاه در توزیع این ماده مرگبار دخالت دارد. فرهنگ مصرف و رفاه‌طلبی و رقابت برای کسب هر چه بیشتر منافع و به هر قیمت از خصوصیات دیگر

فرهنگی این دوران بود.

شرایط بین‌المللی

کشور ایران به دلیل موقعیت حساس و راهبردی همواره مورد توجه کشورهای دیگر بوده است. این کشور تا آنجا اهمیت دارد که در دو جنگ جهانی اول و دوم توسط قوای متفق اشغال نظامی گردید و به‌عنوان پل پیروزی معروف شد.

حکومت شاه که تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد وابسته به انگلستان و بعد از آن وابسته به آمریکا بود به‌طور کامل مورد حمایت بلوک غرب قرار داشت. از جانب دیگر به دلیل همسایگی با شوروی و الزامات ناشی از این همسایگی در سال ۱۳۴۱ سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز را اتخاذ کرده و بر مبنای همین سیاست روابط سیاسی و اقتصادی مناسبی را با این کشور برقرار کرده بود.

با توجه به این سیاست شاه و هم‌چنین با توجه به دو قطبی بودن جهان و احترام هر قطب به منطقه نفوذ قطب دیگر، شوروی و بلوک شرق نیز از شاه حمایت می‌کردند.

پس از افزایش قیمت نفت که عامل کمک‌ها و وام‌های شاه به کشورهای جهان گردید موقعیت بین‌المللی او، از گذشته نیز بهتر شد.

نتیجه

با بررسی ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی حکومت شاه این نتیجه حاصل می‌شود که رژیم سلطنتی تنها در کسب و جاهت بین‌المللی موفق بوده و مشکل حادّی در

این زمینه نداشته است. البته به دلیل ماهیت استبدادی حکومت حتی در این بعد نیز مواجه با مسایلی بوده که گاهی در رسانه‌های غربی انعکاس داشته است. در همین رابطه می‌توان به مصاحبه‌های شاه با خبرنگاران خارجی اشاره نمود که از سخت‌ترین کارها برای او به حساب می‌آمد. در این مصاحبه‌ها معمولاً از عدم آزادی در ایران، تعداد زندانیان سیاسی، شکنجه مخالفین، عدم وجود احزاب سیاسی سؤال می‌شد که شاه را با عصبانیت بی‌حد مواجه می‌ساخت و کار را به جایی می‌رساند که عدم انجام مصاحبه با خبرنگاران خارجی برای شاه در اولویت قرار گرفته بود.

بنابراین، علیرغم کسب حمایت‌های بین‌المللی به دلیل دادن امتیاز به دو قطب حاکم بر جهان در بعد داخلی اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شاه با معضلات جدی مواجه بود که قدرت توان حل هیچ یک از آنها را نداشت. مجموعه این شرایط باعث جدایی کامل رژیم از مردم و گرایش آنان به سوی نیروی مقابل رژیم یعنی انقلابیون مسلمان و در رأس آن حضرت امام خمینی (ره) گردید. امام با ویژگی خاص خود از این شرایط به بهترین وجه استفاده نمود و انقلاب اسلامی را با قدرت تمام راهبری و به سر منزل مقصود رساند.

نشریه رازی بیست و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را به همه همکاران عزیز تبریک عرض نموده و برای همگی دوستان عزیز آرزوی موفقیت در جهت اهداف این انقلاب مقدس را دارد.

دکتر سیدمحمد صدر